

## تحلیل مبانی قرآنی جرم انگاری جرائم زیست محیطی

ابوذر سالاری فر\*

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۲

سید محمود میر خلیلی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲

سیددردید موسوی مجاب\*\*\*

### چکیده

جرم زیست محیطی به مجموعه‌ای از رفتارهای زیان بار گفته می‌شود که به صورت مستقیم و غیر مستقیم به محیط زیست آسیب وارد می‌کنند؛ فرایند جرم انگاری در حوزه محیط زیست با توجه به اصول متعدد از جمله اصل ضرر، در حوزه نظام کیفری عرفی صورت می‌گیرد. در منابع شرعی به صورت عام و در قرآن کریم به صورت خاص رفتارهای مخرب زیست محیطی مورد تقبیح قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم هرگونه رفتاری که موجب فساد در زمین باشد را نهی می‌کند؛ از آنجایی که هر رفتاری که منجر به تخریب و یا آسیب به محیط زیست باشد نیز از مصادیق فساد بوده، بنابراین قابل توبیخ و مجازات است؛ از طرف دیگر محیط زیست و منابع طبیعی در بسیاری از آیات قرآن کریم از مظاهر زیبایی خداوند قلمداد گردیده است. اگرچه قرآن کریم کیفر جرائم زیست محیطی را صراحتاً در هیچ آیه‌ای ذکر نکرده است و نمی‌توان آن را مصداق جرائم حدی دانست، اما با توجه به تقبیح آن رفتار و جرم قلمداد نمودن آن به عنوان مصداق تعزیر در نظام کیفری اسلام قابل مجازات است.

**کلیدواژگان:** محیط زیست، جرم زیست محیطی، تخریب زیستی، جرم انگاری.

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Abuzar.salarifar@gmail.com

mirkhalili@ut.ac.ir

\*\* دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران.

\*\*\* استادیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

doraid.mousavi@gmail.com

نویسنده مسئول: ابوذر سالاری فر

## مقدمه

مسأله محیط زیست، مسأله‌ای بسیار مهم و حیاتی برای بشریت، محسوب می‌شود؛ به گونه‌ای که در اغلب جوامع، سیاستگذاران عرصه‌های مختلف سیاستگذاری، در پی راه حل‌های چند بعدی برای حل مسائل و مشکلات پیرامون این ارزش مهم حیات بشری هستند. امروزه، به دلایل متعدد، محیط زیست از ابعاد گوناگون مورد توجه انسان‌ها قرار گرفته است و مسأله محیط زیست و حفظ آن جزء حیاتی‌ترین و مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و مردم در جوامع مختلف است.

از دلایل عمده توجه جوامع امروزی به موضوع محیط زیست، تخریب شدید و دخالت‌های فراوان به همراه ایجاد آسیب‌های جدی بشر امروزی، به محیط زیست است. اهمیت محیط زیست و تلاش برای کاهش بحران‌های مربوط به آن در عصر حاضر، بر کسی پوشیده نیست.

از آنجایی که بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از اقدامات آلاینده، یک مسأله فراگیر در سطح داخلی و بین‌المللی است، نهادهای داخلی و سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد تلاش خود را برای یافتن راه حلی با هدف حمایت از محیط زیست، کاهش میزان آلودگی و کاهش صدمات وارده به آن، آغاز نموده است. علاوه بر اینکه در سطح بین‌المللی تلاش فراوانی در جهت تدوین مقرراتی در زمینه حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از اقدامات آسیب‌زا علیه آن، صورت گرفته است، در سطح داخلی نیز می‌توان گفت دولت‌ها تلاش فراوانی در جهت اتخاذ اقدامات مناسب در این زمینه داشته‌اند. برخی از این اقدامات در قلمرو اقدامات غیر حقوقی نظیر اقدامات فرهنگی، آموزشی و اقدامات حمایتی در قالب طرح‌های متنوع بوده و برخی دیگر از این اقدامات نیز در قلمرو اقدامات حقوقی بوده است. پاره‌ای از این اقدامات حقوقی غیر کیفری بوده و پاره‌ای دیگر در قالب اقدامات حقوقی قهرآمیز قرار می‌گیرند که همان اقدامات کیفری هستند؛ به عنوان نمونه مقنن ایرانی با تصویب قانون شکار در سال ۱۳۳۵ و قوانین و مقررات بعد از آن از جمله قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹، قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب ۱۳۷۱، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع

آبزی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و سایر مقررات، علاوه بر بیان قواعد کلی راجع به محیط زیست و ابعاد آن، پاره‌ای از رفتارهای مخرب محیط زیست را جرم انگاری نموده و برای آن حسب مورد یک یا چند پاسخ کیفری مانند جریمه نقدی، زندان و... تعیین نموده است.

ادیان مختلف در زمینه حمایت از محیط زیست در ابعاد متعدد اظهار نظر نموده و چهارچوب‌هایی را تدوین نموده‌اند. اگرچه میزان توجه به مقوله محیط زیست در ادیان مختلف متفاوت است، لیکن بدون استثنا محیط زیست به عنوان یکی از پایه‌های اساسی زندگی بشر بر روی کره خاکی، مورد تأکید ادیان بوده است. دین اسلام نیز با توجه به رسالت خویش و اینکه به دنبال مسیر کمال و سعادت انسان‌ها است، به موضوع محیط زیست و ابعاد آن توجه ویژه‌ای داشته است. در این زمینه قرآن کریم بیش از هر کتاب آسمانی دیگری موضوع محیط زیست را در دستور کار قرار داده است. یکی از پژوهش‌گران حوزه محیط زیست می‌نویسد: «از دیرباز بر این باور بوده‌ام که انجیل مکمل تورات و قرآن مکمل تمام کتب آسمانی است و با دانش‌اندوزی در دانش محیط زیست به یک باور دیگر رسیدم و آن این است که قرآن یک کتاب حفاظت از محیط زیست است» (لغمجانی، ۱۳۷۸). با توجه به اهمیت مراتب فوق به نظر می‌رسد سؤال اساسی قابل طرح این است که مهم‌ترین مبانی جرم انگاری رفتارهای زیان‌بار محیط زیست از منظر قرآن کریم چیست و تا چه اندازه این جرم انگاری‌ها از حیث اصول و مبانی حاکم بر فرایند جرم انگاری قابل انطباق است؟ این سؤال و سؤالات مشابه در این پژوهش، باعث می‌گردد تا در ابتدا با بررسی مفهوم و فرایند جرم انگاری به صورت عام، مفهوم و اهمیت مقوله‌ای محیط زیست مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و از طرف دیگر با بررسی مبانی دینی حاکم بر جرم انگاری محیط زیست به صورت عام و به بررسی و تحلیل مبانی قرآنی موضوع به صورت خاص پرداخته شود.

### پیشینه پژوهش

در زمینه رابطه بین ادیان و محیط زیست به صورت عام و نیز رابطه بین دین اسلام و محیط زیست به صورت خاص، تا کنون پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ بسیاری از این پژوهش‌ها توسط دین‌پژوهان در سراسر دنیا انجام گردیده است.

سی فالتس و دیگران (۲۰۰۳) در کتابی تحت عنوان «اسلام و محیط زیست» به بررسی ابعاد مختلف حمایت از محیط زیست در دین اسلام پرداخته و به ابهامات موجود در زمینه نحوه حمایت دین مبین اسلام از محیط زیست پاسخ داده است؛ نکته حائز اهمیت در کتاب این است که در بخشی از آن، مقالات مربوط به کنفرانس‌های اسلامی مربوط به محیط زیست آورده شده است. کاریزی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «ادیان و محیط زیست» کتاب یادشده و آثار دیگر مرتبط با موضوع را از زوایای مختلف مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. رئوف (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «اخلاق محیط زیست در قرآن» به جایگاه محیط زیست در قرآن کریم به صورت مختصر اشاره دارد و برخی از آیات قرآن کریم که محیط زیست را مورد توجه قرار داده، تحلیل می‌نماید. قاسمی (۱۳۹۱) در کتابی تحت عنوان «حقوق کیفری محیط زیست؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی» به بررسی جنبه‌های کیفری رفتارهای مخرب محیط زیست در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی پرداخته است و در بخشی از این اثر به آیات و روایاتی که مرتبط با محیط زیست است اشاره دارد. مشهدی و فهیمی (۱۳۹۳) در کتابی تحت عنوان «اندیشه‌های حقوق محیط زیست» ضمن تشریح مفهوم حقوق محیط زیست و حق بر محیط زیست در برخی از اثر خود به مبانی دینی حقوق محیط زیست پرداخته و پاره‌ای از آیات قرآن که در ارتباط با حمایت از محیط زیست است را شرح داده‌اند.

در زمینه مبانی قرآنی جرائم زیست‌محیطی تا کنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، هرچند پژوهش‌های سابق به صورت پراکنده این موضوع را به اختصار مورد اشاره قرار داده‌اند. بنابراین پژوهش حاضر می‌تواند در این زمینه نو و حائز اهمیت باشد.

## سوالات و فرضیات پژوهش

سؤال اصلی: رویکرد قرآن نسبت به جرائم زیستی چگونه است؟  
فرضیه اصلی: قرآن کریم گاه به صورت صریح و گاه به صورت ضمنی از محیط زیست حمایت نموده و رفتارهای زیان‌بار زیست‌محیطی مصداق بارز گناه و جرم محسوب می‌شود.

سؤال فرعی: مهم‌ترین واکنش قرآن کریم نسبت به جرائم زیستی و رفتارهای زیان‌بار زیستی چیست؟

فرضیه فرعی: قرآن کریم به صورت صریح برای رفتارهای زیان‌بار زیستی کیفر یا واکنش خاصی در نظر نگرفته است، لیکن چنین رفتارهایی را مصداق گناه و جرم در نظر گرفته و مرتکبین را به عذاب اخروی و عواقب دنیوی خطاب قرار داده است.

## مفاهیم

در این قسمت، مهم‌ترین مفاهیم پژوهش مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ مفاهیمی همچون محیط زیست، جرم انگاری و مسئولیت‌گیری از جمله مهم‌ترین مفاهیمی هستند که در این پژوهش پیرامون آن بحث و بررسی انجام خواهد شد.

### ۱. مفهوم محیط زیست

محیط زیست دارای مفهومی چند بعدی بوده و واجد معانی مشابه فراوانی است؛ اصطلاحاتی نظیر محیط طبیعی، محیط انسانی، طبیعت، جو(اتمسفر)، زیست بوم و... دارای ارتباط مفهومی با محیط زیست هستند.

### معنای لغوی

«محیط» واژه‌ای عربی و از ریشه «حوط» است و به معنای احاطه‌کننده، چارچوبی که چیزی را احاطه نموده است؛ اقیانوس، را در عربی از آن جهت که آب آن را احاطه نموده است، «محیط» می‌گویند. «زیست» نیز واژه‌ای فارسی و مترادف زندگی و حیاط است (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۱۱). درباره کلمه زیست گفته شده که به معنای چیزی است

که یک شخص برای زنده ماندن به آن نیاز دارد، تهیه کردن غذای کافی یا پول کافی برای زنده نگاه داشتن خود حیات زندگی و عمر، زندگانی، اعاشه، امرار معاش، دوام، وسیله معیشت، قلمرو حیات و زندگی، هستی، وجود داشتن و مانند آن. همچنین همین تعابیر در فرهنگ‌های لغت دیگر نیز بیان شده است (معین، ۱۳۷۲: ۱۶۸). بنابراین می‌توان گفت که محیط زیست از نظر لغوی به معنای محلی که آدمی را احاطه کرده است و نیز قلمرو حیات و زندگی است. این دو واژه در فرهنگ‌های لغت مختلف داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته است. در برخی آثار گذشته، کلمه «محیط» مترادف «محیط زیست» قلمداد شده است. بنابراین منظور از آن مجموعه عواملی است که زندگی و حیات را در بر گرفته است. در برداشت بسیار وسیع محیط زیست دربرگیرنده کلیه عوامل ذهنی و عینی است که چهارچوب حیات بشری و حیوانی و نباتی را احاطه نموده است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۴).

آنچه در این پژوهش از اصطلاح محیط زیست برداشت می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد، همان مجموعه‌ای از عواملی است که زندگی و حیات را در بر گرفته‌اند؛ منظور از حیات نیز، تنها حیات انسانی نبوده بلکه شامل حیات موجودات و جانداران دیگر نیز می‌گردد.

### معنای اصطلاحی

تا کنون در نظام حقوقی ایران و در قوانین و مقررات کشور ما اعم از قانون اساسی، قوانین عادی و دیگر مقررات، تعریفی از محیط زیست ارائه نشده است. مفهوم اصطلاحی محیط زیست، قرابت نزدیکی با مفهوم لغوی آن دارد. اصطلاحاً محیط زیست دربرگیرنده کلیه عناصر طبیعی و انسان‌ساخت گفته می‌شود که افراد انسانی و حیوانات و یا گیاهان و گونه‌ها (جاندار و غیر جاندار) را احاطه نموده است و یا کلیه عوامل ملموس و غیر ملموس که چارچوب حیات را تشکیل می‌دهند. همانگونه که برخی در تعریف محیط زیست گفته‌اند: «مجموعه‌ای از شرایطی است که حول یک فرد یا جامعه را احاطه نموده است. محتوای محیط زیست شامل فاکتورهای فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی است» (Bruce, 2007, p147).

محیط مجموعه‌ای از عوامل جاندار و بی‌جان است که به صورت کلی در فضای مشخص و معین و در زمان مشخص و معین قرار گرفته است. همانگونه که ملاحظه می‌گردد در این محیط تنها موجودات زنده نیستند که وجود دارند بلکه عمدی این فضا را موجودات بی‌جان تشکیل می‌دهند، پس می‌توان گفت موجودات زنده تنها بخش و لایه کوچکی از محیط را تشکیل می‌دهند. لایه‌ای از کره زمین را که در آن حیات در جریان است و به عبارتی موجودات زنده در آن زندگی می‌کنند و لایه‌ای حیات آفرین است، را بیوسفر یا زیست کره می‌نامند و تنها در این لایه است که حیات به صورت متمرکز وجود دارد، اما دیگر لایه‌ها با اینکه لایه‌هایی هستند که دارای حیات نیستند، ولی در تمام فرایند زیست انسان و موجودات زنده نیز، اثر حیات بخش دارند. اکثر محیط‌ها، در طی بحران‌های متمادی دچار تغییر می‌شوند. در اغلب این تغییرات، انسان به طور مستقیم و غیر مستقیم دخالت دارد. طبیعت و محیط زیست مدت‌هاست که در مقابل انسان در موضعی انفعالی قرار گرفته است، زیرا انسان، محیط زیست خود را که همانا بستر حیات و ادامه بقای اوست، بر حسب نیازهای گوناگون، دگرگون نموده و به آن شکل و ساخت مورد نیاز خود را بخشیده است. در نتیجه این دگرگونی‌ها، تکامل بیوسفر از مسیر طبیعی خود خارج گشته و در مسیری که انسان اراده نمود، قرار گرفته است.

در تعریفی دیگر، «محیط زیست عبارت است از مجموعه‌ای از موجودات زنده، منابع، عوامل و شرایط هماهنگی که در پیرامون هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات این موجود زنده به آن وابسته است. کنش‌ها و واکنش‌ها، چرخه‌ها و فرآیندها، حرکت‌ها و روابط متقابل، اثرها و تأثیرها، مجموعه زیست‌محیطی را در درون و از بیرون بر هم متصل می‌کند و تمامی آن‌ها در ارتباط با هم شبکه درهم‌تنیده حیات را تشکیل می‌دهد (صادقی، ۱۳۸۸: ۳). همچنین به عقیده برخی «اصطلاح اکوسیستم در سال ۱۹۳۵ توسط تنسلی ارائه شد و از آن سال، به عنوان واحدی برای عملکردهای اساسی در علم اکولوژی به کار می‌رود. پرمن اکولوژی را مطالعه توزیع و فراوانی حیوانات و گیاهان می‌داند» (Perman, Ma, Mcgilvray, 1999, p6-8).

برنامه ملل متحد برای محیط زیست، محیط زیست را مأوای کامل انسان تعریف می‌کند (اینیاسی، ۱۳۷۳: ۵۸).

البته همانگونه که در ادامه این پژوهش تحلیل و بررسی خواهد شد و اندیشمندان نیز به این مسأله اذعان دارند، اصطلاحات اکولوژی و اکوسیستم اگرچه از نظر معنایی مفهومی نزدیک با محیط زیست داشته باشند، لیکن از حیث قلمرو با محیط زیست یکسان نبوده و بلکه تفاوت‌هایی با هم دارند. برخی دیگر معتقدند «منظور از محیط زیست (بیوسفر) لایه نازک روی سطح زمین است که حیات و زندگی در آن جریان دارد و به تعبیر نیست (۱۹۹۱) اتمسفر جو (ژئوسفر: قسمتی از زمین که زیر بیوسفر قرار دارد) و همه گیاهان و جانوران روی زمین را شامل می‌شود. بنا بر این تعریف، محیط‌زیست شامل تمام اشکال حیات، منابع انرژی و معدنی، استراتوسفر (جو بالا) و تروپوسفر (جو پایین) می‌شود (Nick Hanley, Jason F. Shgren, Ben Whith).

پس می‌توان گفت محیط زیست مجموعه‌ای از محیط‌ها و لایه‌های مختلف است که علاوه بر اینکه حیات انواع و اقسام جانداران اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان را تأمین می‌کند، محل ذخیره انواع انرژی نیز می‌باشد. به عبارت دیگر قسمتی از کره زمین که امکان زندگی و حیات در آن موجود است، را محیط زیست می‌نامند. در این پژوهش نیز، منظور از محیط زیست، آن قسمت از محیط زیست است که دارای حیات می‌باشد و جانداران و انسان‌ها در آن زندگی می‌کنند که شامل انواع و اقسام محیط‌های طبیعی و انسان‌ساخت، که حیات در آن‌ها در جریان است، می‌شود.

## ۲. قلمرو و مصادیق محیط زیست

در خصوص انواع محیط زیست، اندیشمندان انواع و اقسام مختلفی را برشمرده‌اند که برخی از این تعابیر معادل محیط زیست یا جزء مفاهیم مشابه با مفهوم محیط زیست محسوب می‌شوند، و برخی دیگر خود جزو مصادیق و اقسام محیط زیست محسوب می‌شوند. در زیر به مهم‌ترین مصادیق و اقسام محیط زیست به صورت خلاصه پرداخته می‌شود.



## محیط طبیعی

محیط طبیعی به آن قسمت از محیط زیست اطلاق می‌گردد که دربرگیرنده بخشی از فضای سطح کره زمین است و به دست انسان نیز ساخته نشده است (بهرام سلطانی، ۱۳۶۵: ۳). با این تعبیر تمامی جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، دشت‌ها، دره‌ها، حیات وحش و... جزو محیط زیست طبیعی قرار می‌گیرند. مجموعه عوامل جاندار و بی‌جان، فضای زنده کره خاکی یا بیوسفر را تشکیل می‌دهند. انرژی مورد نیاز برای حیات موجودات و استمرار آن در این فضا از انرژی خورشید تأمین می‌گردد. آنچه ما امروزه به عنوان محیط طبیعی یاد می‌کنیم، طبیعت خالص و به دور از دگرگونی نیست و اثرات نامطلوبی از سوی انسان بر آن وارد شده است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۲۹). بنابراین منظور از محیط زیست طبیعی، یعنی محیطی زیستی که یا انسان در ایجاد آن نقشی نداشته است و یا نقش وی کم‌رنگ بوده است. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های محیط زیست، محیط زیست طبیعی است.

## محیط مصنوعی یا انسان‌ساخت

محیط مصنوعی به محیطی گفته می‌شود که توسط انسان ساخته شده است (بهرام سلطانی، ۱۳۶۵: ۵). محیط زیست مصنوعی، «محیط زاییده تفکر»، «محیط فرهنگ ساخت»، «سپهر فنی» است؛ زیرا پیدایش و وضعیت موجود آن، نتیجه نیروی خلاقیت و تفکر بشر است و به همین جهت است که به آن محیط فرهنگ ساخت یا تفکر ساخت نیز گفته می‌شود. به طور خلاصه می‌توان گفت که شهرها با تمام اجزاء قسمت‌ها و محتوایشان، محیط زیست مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند. خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها، خیابان‌ها، فرودگاه‌ها و مانند این‌ها اجزای این بعد از محیط زیست محسوب می‌شوند. علاوه بر این موارد زباله‌های کنار خیابان‌ها، آلودگی آب و هوا، تمییز یا کثیف بودن جویبارهای روان و مانند آن‌ها نیز عناصر تشکیل دهند این قسمت از محیط‌زیست هستند. اگرچه ممکن است امروزه در اذهان عمومی، محیط زیست طبیعی دارای اهمیت بسیار بیش‌تری نسبت به محیط زیست انسان‌ساخت داشته باشد، لیکن به نظر می‌رسد

این بخش از محیط زیست نیز به دلیل ارتباط مستقیم آن با حیات انسان‌ها، از اهمیت و جایگاه بسزایی برخوردار است.

### محیط اجتماعی

مقصود از محیط اجتماعی جامعه‌ای است که بشر در آن زندگی می‌کند. نهادهای اجتماعی که امور گوناگون جامعه را شکل می‌دهند. به عبارت دیگر این قسمت از محیط زیست از انسان‌هایی که در کنار و اطراف ما وجود دارند و با ما سروکار دارند و با آن‌ها روابط متقابل داریم تشکیل می‌شود (بهرام سلطانی، ۱۳۶۵: ۵). در بین سه مصداق فوق از محیط زیست، دو مورد ابتدایی، یعنی محیط زیست طبیعی و محیط زیست انسان ساخت، از مفاهیمی هستند که ارتباط بیش‌تری با مفهوم رایج محیط زیست دارند و بنابراین در این پژوهش نیز، مقصود از محیط زیست، محیط زیست طبیعی و یا انسان ساخت است.

### جرم زیست‌محیطی

گاهی یک جرم زیست‌محیطی به دلیل بروز آلودگی محقق می‌شود و زمانی شکل‌گیری این جرم منوط به پیدایش تخریب و انهدام در عرصه محیط زیست خواهد بود.

هرچند دو مقوله آلودگی و تخریب اساس تحقق جرائم زیست‌محیطی را تشکیل می‌دهند و هر کدام به نوبه خویش می‌توانند آثار خطرناک و زیان‌باری به همراه داشته باشند؛ اما با در نظر گرفتن نقش انسان در بروز اختلالات در طبیعت و ارتکاب جرائم زیست‌محیطی از سوی وی، اصولاً گستردگی آلودگی محیط زیست و جرائم ناشی از آن در عرصه گوناگون محیط زیست اعم از طبیعی و مصنوعی بیش‌تر از تخریب و انهدام و جرائم وابسته به آن است (بهرام سلطانی، ۱۳۶۵: ۵).

در حال حاضر در سطح ملی و جهانی مشکلات جدی و گاه خطرناک زیست‌محیطی، اعمال مجرمانه و غیر مجرمانه، در زمینه موضوعاتی همچون تخریب لایه ازن، افزایش گازهای گلخانه‌ای، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی، انواع آلاینده‌های مربوط به

خاک، هوا، آب و آلودگی‌های صوتی، شیمیایی، هسته‌ای و رادیو اکتیو وجود دارد. جرائمی که در اغلب موارد نتیجه استخراج و حمل و نقل مواد زائد و یا خطرناک نفتی، سمی و هسته‌ای و نیز واقعه جنگ‌ها و به ویژه در سطح گسترده و پایدار و یا بهره‌برداری نادرست و مخرب از فن‌آوری‌ها و امکانات و محصولات ناشی از آن مانند پساب‌ها و فاضلاب‌های صنعتی و غیر صنعتی و سوخت وسایل نقلیه، کارخانه‌ها و... به شمار می‌آیند. در قوانین و مقررات جزایی و غیر جزایی ایران از موضوع جرم زیست‌محیطی گاه به شکل عام و کلی، و در مواردی نیز به گونه خاص سخن به میان آمده است. در مواردی میان آلودگی محیط‌زیست و تخریب محیط‌زیست تفاوت وجود دارد، البته این اختلاف از جهت جرم بودن و یا نبودن آن‌ها نیست، بلکه از حیث تهافتی است که این دو دسته جرائم زیست‌محیطی از نظر ماهیت زیان‌های وارده به محیط زیست دارند. قانونگذار در بعضی از متون قانونی و مواد مربوط از واژه «ممنوع» استفاده کرده است و رفتارهای آلاینده که اصولاً جرم زیست‌محیطی به شمار می‌روند را همراه با این واژه مورد توجه قرار داده است. در بخشی دیگر از این مقررات نیز بدون آنکه از این واژه نام ببرد و به دنبال بیان اقدامات و رفتارهای آلاینده‌ای که در قوانین و مقررات دیگر از آن‌ها به عنوان جرم زیست‌محیطی یاد شده است، به تعیین مجازات درباره مرتکب این گونه رفتارها مبادرت نموده است.

در آغاز ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱ چنین آمده است: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است». علی‌رغم آنکه جرم بودن و یا دانستن عملی وابسته به قید ممنوعیت آن در عبارت قانونی نیست و هر ممنوعیتی نیز نمی‌تواند بیانگر جرم بودن یک رفتار باشد؛ با این حال مقنن در اینجا از این واژه استفاده کرده است در حالی که قانونگذار می‌توانست از واژه «جرم» استفاده کند و بگوید: «اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم کند جرم است».

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در این قسمت از ماده ۹ از مفهوم عام جرم زیست‌محیطی یاد شده است. البته مقنن در ادامه این ماده مقصود از آلودگی محیط زیست را بیان کرده، و به عبارت دیگر آلودگی محیط زیست را تعریف کرده است و در

این تعریف از پاره‌ای اجزای آن سخن گفته است: «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی با بیولوژیک آن را به طوری که زیان‌آور به حال انسان با سایر موجودات و یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد». به این ترتیب یک جرم زیست‌محیطی می‌تواند در زمره جرائم علیه اشخاص، اموال، محیط، حیوانات، نباتات و... قرار گیرد. بدون تردید استفاده از سموم یادشده، محیط زیست و پاره‌ای از اجزای آن را در معرض و آسیب‌های آلودگی محیط زیست (و در نهایت جرم زیست‌محیطی) تلقی نشده است. البته اینکه آیا این سخن درست است یا خیر؟ و آیا باید ایجاد تغییر و آلاینده‌ی عمدی را موجه دانست یا خیر؟ و اینکه آیا رسیدن به برخی هدف‌ها می‌تواند توجیه‌کننده زیان رساندن به محیط زیست و در نهایت انسان و تضمین استمرار حیات وی در این محیط باشد یا خیر؟ موضوعی است که باید در جای خود مورد جستار و کنکاش دقیق قرار گیرد.

در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ آمده است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زائد، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می‌باشد». قانونگذار در این ماده نیز از «ممنوع بودن» اقدامات تهدیدکننده بهداشت عمومی سخن گفته است در حالی که بکار بردن این واژه ضروری نبوده است. زیرا مطرح شدن این موضوع در قلمرو قانون جزایی خود گویای ممنوع دانستن انجام آن از نظر مقنن است و به دلیل ارتکاب این عمل ممنوع است که قانونگذار برای مرتکب آن پاسخ کیفری مجازات را پیش‌بینی کرده است. تفاوت قابل توجهی که میان قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی وجود دارد آن است که قانون نخست در مقام تعیین جرائم و مجازات به عنوان یکی از مبانی حقوق جزای عمومی و اختصاصی نبوده و در زمره قوانین جزایی قرار ندارد؛ بنابراین استفاده از کلمه «جرم» می‌توانست توجیه‌پذیر باشد؛ اما قانون اخیر اینگونه نیست و از این جهت

تفاوت اساسی با قانون مقدم «حفاظت و بهسازی محیط زیست» دارد. به علاوه، ممکن است این ایراد مطرح گردد که قانونگذار در ماده ۶۸۸ درباره تهدید علیه بهداشت عمومی به جرم انگاری مبادرت کرده و این اقدام را ممنوع (جرم) دانسته است، در حالی که در اینجا سخن از جرم زیست محیطی است نه بهداشتی. جدای از تبیین مفهوم عام جرم زیست محیطی در قوانین و مقررات یادشده، موارد خاص متعددی نیز در این رهگذر مانند آلودگی آب، آلودگی هوا، آلودگی خاک، آلودگی صوتی، آلودگی شیمیایی و هسته‌ای، آلودگی ناشی از زباله، شکار غیر قانونی و صید غیر مجاز، تخریب منابع طبیعی، آتش زدن اموال و منابع طبیعی و... وجود دارد که قانونگذار درباره آن‌ها در قوانین و مقررات گوناگون به‌ویژه قانون مجازات اسلامی سخن گفته است و به بیان تعریف، شرایط، ارکان و... درباره آن‌ها مبادرت کرده که در جای خود بایستی مورد بررسی قرار گیرند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۲۰).

بر این اساس، جرم زیست محیطی را می‌توان اینگونه تعریف نمود؛ هر رفتاری اعم از فعل و یا ترک فعل که سبب ورود خسارت و زیان به محیط زیست اعم از طبیعی و یا مصنوعی خواهد شد و محیط زیست را به خطر انداخته و یا در آینده با مشکلاتی مواجه می‌سازد؛ نکته مهم در این تعریف این است که این تعریف جرائم علیه محیط زیست را لزوماً جرائمی مقید به نتیجه نمی‌داند، که حتماً منجر به حصول نتیجه، یعنی همان آسیب زیست محیطی شود، بلکه از این منظر جرائم زیست محیطی اعم از مطلق و یا مقید خواهند بود و این مسأله با اصل احتیاطی که یکی از اصول مهم و بین المللی در زمینه محیط زیست است، نیز همخوانی دارد.

### ۳. جرم زیستی از منظر قرآن کریم

نامگذاری برخی از سوره‌ها در قرآن کریم، سوگند قرآن کریم نسبت به بسیاری از پدیده‌های طبیعی و اختصاص آیات فراوانی از کلام خدا به مناظر و مظاهر طبیعت و خلقت همگی حکایت از این موضوع دارد که طبیعت با تمامی ابعاد آن از منظر قرآن کریم اهمیت بسیار زیادی داشته، و خداوند متعال در پی این بوده است تا به طرق مختلف انسان را تشویق نماید و در برخی موارد حتی به وی هشدار می‌دهد که ضمن

حمایت از طبیعت خداوندی، از رفتارهایی که ممکن است به طبیعت ضرر و زیان وارد نماید خودداری نماید؛ در قرآن کریم بیش از ۶۰ بار به آب، بیش از ۵۰ بار به رودخانه‌ها و بیش از ۴۰ بار به دریا اشاره شده است که این موضوع حکایت از توجه بسیار زیاد خداوند کریم به طبیعت بوده و ارزش محیط زیست را در کلام وحی نشان می‌دهد (رئوف، ۱۳۹۴: ۴۱).

در قرآن کریم بزهکاری یا جرم زیست محیطی در وجوه مختلف منعکس گردیده است و از آیات متعددی که در قرآن به صورت مستقیم و غیر مستقیم به محیط زیست اشاره می‌نمایند، قابل استنباط است؛ خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره یس می‌فرماید: «هر آنچه از پیش فرستاده‌اید با آثارش برای شما می‌نویسیم»، نشانگر آن است که تمام انسان‌ها در برابر تمامی اعمال و رفتارشان مسئول بوده و باید در محضر الهی پاسخگو باشند (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۸). البته آنچه از این آیه و آیات مشابه برداشت می‌شود بیش‌تر از اینکه یک قاعده حقوقی را بیان نماید، یک قاعده اخلاقی و یا یک قاعده دینی که دارای ثواب و عقاب اخروی است را مطرح می‌نماید، اما به نظر می‌رسد همین اندازه می‌تواند قبح اعمالی را که باعث می‌گردد به محیط زیست آسیب وارد نماید را مطرح سازد.

به نظر می‌رسد آیاتی که جرم انگاری جرائم زیست محیطی را در قرآن کریم پررنگ می‌نماید شامل چند دسته است؛ دسته‌ای از آیات صراحتاً از محیط زیست حمایت می‌کنند که البته ممکن است در این دسته از آیات به مظهري از مظاهر محیط زیست اشاره شده باشد بدون اینکه به رفتارهای زیان‌بار محیط زیست اشاره نموده باشند و یا کیفر این رفتارها را بیان کرده باشد؛ دسته دوم آیاتی است که به صورت کلی هرگونه رفتاری که آسیب‌زا و یا به عبارتی مفسده آور باشد را تقبیح و در مواردی دارای سزای اخروی و دنیوی می‌نماید که در زیر به این دو دسته آیات اشاره می‌گردد و مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

## آیات دسته اول

این دسته از آیات قرآن کریم به صورت مستقیم به یکی از مظاهر و مصادیق محیط زیست اشاره دارد و انسان را به تفکر و تأمل و یا انجام پاره‌ای رفتارها و تکالیف نسبت به آن تشویق می‌نماید؛ البته ممکن است در این دسته از آیات، به صورت صریح رفتارهای زیان‌بار زیستی مورد تقبیح قرار نگرفته باشد، لیکن این دسته از آیات صراحتاً از محیط زیست و یا یکی از مظاهر آن یاد نموده که در نتیجه می‌توان اینگونه استنباط کرد که با توجه به اهمیت این مقوله در قرآن کریم، هر نوع رفتار زیان‌بار به محیط زیست، می‌تواند رفتاری بزه‌گونه محسوب گردد. برای مثال قرآن کریم در بخشی از آیه ۱۹۱ سوره آل عمران می‌فرماید: ﴿...وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...﴾ و یا در آیه ۲۰ سوره لقمان می‌فرماید: ﴿الْمَعْرُوفِ وَاللَّهِ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ...﴾؛ همچنین در آیه ۱۶۴ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾: «راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روان‌اند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هرگونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد»؛ همچنین در آیه ۱۷۲ از سوره بقره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَلِمَاتٍ طَيِّبَاتٍ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ رِئَاءَ تَعْبُدُونَهُ﴾: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر تنها او را می‌پرستید خدا را شکر کنید»؛ و نیز در آیات ۲۲، ۲۵ و ۲۹ سوره بقره خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾: «همان خدایی که زمین را برای شما فرشی و آسمان را بنایی قرار داد و از آسمان آبی فرود آورد و بدان میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد، پس برای خدا همتیانی قرار ندهید و در حالی که خود می‌دانید»: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ

قَبْلُ وَآتَوَاهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ «و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مزده ده که ایشان را باغ‌هایی خواهد بود که از زیر [درختان] آن‌ها جوی‌ها روان است هرگاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود می‌گویند این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده و مانند آن [نعمت‌ها] به ایشان داده شود و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت و در آنجا جاودانه بمانند».

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ «اوست آن کسی که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت و هفت آسمان را استوار کرد و او به هر چیزی داناست». به عنوان مثال توجه به آیه ۹۹ سوره انعام به خوبی اهمیت طبیعت و نیز نشانه بودن آن را به خوبی نشان داده و هر نوع رفتاری که به چنین طبیعتی ضرر وارد نماید، می‌تواند جرم تلقی گردد: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَبَاتٍ مِنَ الْأَعْنَابِ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّيْحَانَ مُشْتَبِهًا وَعَظْمًا كَثِيرًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ «و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هرگونه گیاه برآوردیم و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و [نیز] باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم به میوه آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید قطعاً در این‌ها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست»؛ یا اینکه خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره نمل آفرینش طبیعت را از مظاهر و نشانه‌های قدرت خداوندی معرفی نموده و ناتوانی انسان را در این آفرینش بیان کرده و انکار قدرت خداوند متعال را در این آفرینش از مصادیق انحراف در نظر می‌گیرد:

«أَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا إِلَّا اللَّهُ مَعَ اللَّهُ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ»

«[آیا آنچه شریک می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد پس به وسیله آن باغ‌های



بهجت‌انگیز رویانیدیم کار شما نبود که درختانش را برویانید آیا معبودی با خداست [نه] بلکه آنان قومی منحرف‌اند»

در ادامه این آیات آیه ۶۱ سوره نمل نیز به موضوع اخیر اشاره داشته و مظاهر طبیعت همانند رودها، کوه‌ها، و باغ‌ها را مورد اشاره قرار می‌دهد.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در آیات مذکور خداوند متعال از یک طرف آسمان و زمین و هر آنچه که در آن است را از نشانه خود می‌داند و از انسان می‌خواهد در این نشانه‌ها تأمل نموده و خداوند را شکر نماید؛ از طرف دیگر طبیعت و آنچه متعلق به آن است، اعم از باغ‌ها، آسمان و زمین و میوه‌ها و آبی که از آسمان نازل می‌شود را در اختیار انسان قرار می‌دهد که انسان از آن استفاده نموده و خداوند را شکر کند. همچنین قرآن کریم در این دسته از آیات و روایات مهم‌ترین عناصر و اجزای طبیعت را همانند جنگل‌ها (مثلاً آیه ۱۴ تا ۱۶ سوره نبأ)، مراتع (مثلاً آیه ۳۱ تا ۳۳ سوره نازعات و سوره عبس آیات ۲۶ تا ۳۱)، هوا (مثلاً آیه ۱۶۴ سوره بقره، آیه ۵۷ سوره اعراف، آیه ۲۲ سوره یونس، آیه ۴۵ سوره کهف)، زمین (مثلاً آیه ۱۰ سوره زخرف، آیه ۶۱ سوره نمل، آیه ۳۰ سوره بقره، آیه ۶۳ سوره هود، آیه ۵۶ سوره اعراف)، آب (مثلاً آیه ۳۰ سوره انبیاء، آیه ۴۸ سوره فرقان، آیه ۱۱ سوره انفال، آیه ۲۷ سوره فاطر، آیه ۲۱ سوره زمر) را ذکر کرده است.

بنابراین با نگاهی به آیات فوق که تنها شمار اندکی از آیاتی هستند که عناصر و اجزای طبیعت و محیط زیست را مطرح می‌نمایند، این موضوع قابل استنباط است که آیات قرآن کریم آشکارا اهمیت و ارزش محیط زیست و طبیعت و لزوم حمایت همه‌جانبه از آن و ضرورت پاسخ‌دهی همه‌جانبه به رفتارهایی که با این ارزش‌ها در تناقض بوده و یا آشکارا آن را نقض می‌کنند، را بیان نموده است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۶۳).

از طرف دیگر نباید این پندار شکل بگیرد که با توجه به اینکه خداوند متعال انسان را قادر ساخته است تا طبیعت را مقهور خود نماید و انسان در واقع به عنوان جانشین خداوند بر روی زمین محسوب می‌گردد، بنابراین وی آزاد است که هرگونه مایل است نسبت به محیط زیست و طبیعت رفتار نماید، بلکه می‌توان گفت انسان باید در برابر اراده خداوند تسلیم شده و با آرامش زندگی کرده و از هرگونه فساد و تباهی که باعث

تباهی هم‌نسلان خود و سایر موجودات الهی که از نشانه‌های بارز خداوند هستند خودداری نماید (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

با این وصف همانگونه که بیان گردید این دسته از آیات الهی بدون اینکه عقاب و جزایی را در نظر گرفته باشند و یا اینکه در این زمینه هشدار دهند، بیش‌تر نعمات الهی و محیط زیست و طبیعت را برای انسان شناسایی نموده و اهمیت و جایگاه آن را تشریح کرده تا از این رهگذر ضمن گوشزد نموده در خصوص شکرگزاری در استفاده از این نعمات، دریچه‌ای را به روی خدا شناسی و توحید باز کرده باشند.

### آیات دسته دوم

دسته دوم، آیاتی هستند که هر نوع فساد و ارتکاب جرم و گناه را بر روی زمین ممنوع کرده و کسی که فرامین الهی را نادیده گرفته و آیات وی بر روی زمین را مورد تعرض قرار دهد، دارای عقاب اخروی و دنیوی خواهد بود؛ نکته حائز اهمیت این است که ممکن است آیات این دسته ممکن است، مستقیماً طبیعت و محیط زیست را مورد اشاره نداده باشند، لیکن با توجه به آیات دسته قبل که طبیعت و محیط زیست از نشانه‌های بارز قدرت و رحمت خداوند بوده و مورد حمایت خداوند قرار دارد، لذا می‌توان اینگونه استنباط نمود که هر نوع تعرض به محیط زیست در تمامی ابعاد می‌تواند مصداق جرم و فساد در نظر گرفته شود. البته در پاره‌ای از این آیات بلافاصله بعد از بیان مظاهر طبیعت خداوندی و نیز نعمات خداوند، هر نوع فساد و یا تعرض به آن مورد تقبیح قرار گرفته است.

به عقیده یکی از مفسرین قرآن کریم، مسأله فساد انگیزی دارای اهمیت بوده و انسان موظف است بر روی زمین به عمران و آبادانی بپردازد، چه اینکه انسان جانشین خداوند بر روی زمین است و به همین دلیل خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾: «پس از اصلاح زمین، در آن دست به فساد نزنید و خداوند را با بیم و امید بخوانید، قطعاً رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است» و انسان را بعد از اینکه بر روی زمین آبادانی ایجاد نمود، از هر نوع فساد بر آن منع می‌کند. همچنین قرآن کریم

انسان را به پاکیزگی زمین امر می‌کند که اگر زمین پاکیزه باشد، محصول پاکیزه می‌دهد: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾: «و سرزمین پاک (و آماده)، گیاهش به اذن پروردگارش بیرون می‌آید. اما زمینی که خبیث (و شوره‌زار) است، جز محصولی اندک و بی‌فایده بیرون نمی‌دهد. ما این چنین آیات خویش را برای گروه شکرگزار، گونه‌گون بیان می‌کنیم»، بنابراین انسان‌ها نباید به عنوان جانشین الهی بر روی زمین فساد کنند و زمین را آلوده نمایند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۷). فساد در قرآن کریم دارای تعابیر مختلفی است که به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد فساد با جرم و بزه همخوانی دارد و به همین دلیل است که خداوند متعال در آیات متعددی فساد را به شدت تقبیح نموده و آن را نهی می‌کند؛ به عنوان مثال خداوند در آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: ﴿وَإِذْ اتَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾: «و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد». از این آیه به خوبی می‌توان تقبیح هر نوع جرم زیستی که منجر به زیان به محیط زیست می‌گردد، را استنباط کرد؛ همچنین آیه ۴۱ سوره مبارکه روم می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفُسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾: «به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید به سوی حق بازگردانند»؛ همانگونه که ملاحظه می‌گردد خداوند در این آیه فساد در خشکی و دریا را در نتیجه کارهایی می‌داند که انسان‌ها بر روی زمین انجام می‌دهند که تخریب محیط زیست که می‌تواند منجر به از بین رفتن طبیعت، جنگل‌ها، دریاها، رودخانه‌ها، بیابان‌زایی، خشکسالی، آلودگی‌های آبی، از بین رفتن حیات جانوری و گیاهی و... گردد. به عقیده برخی از نویسندگان بر اساس این آیه عدم استفاده صحیح از محیط زیست، سبب نزول بلاهای طبیعی بر مردم می‌شود؛ یک قانون کلی از این آیه به دست می‌آید که نشان می‌دهد که اگر کفران نعمت گردد، به جای نعمت، نعمت به سراغ مردم خواهد آمد. چنانکه بر اثر خودخواهی بشری و آلوده سازی‌های او، آب و هوایی که مایه زندگی انسان است، بر اثر آلودگی به عامل کشنده بدل می‌شود (مشهدی و فهیمی، ۱۳۹۳: ۶۳).

پاره‌ای از آیات قرآن کریم هستند که انسان را خطاب قرار می‌دهد که از هر نوع اسراف پرهیز کند و در پاره‌ای از موارد انسان‌های اسرافکار را به عقاب الهی وعده می‌دهد؛ به عنوان مثال خداوند در آیه ۱۲۷ سوره طه می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى﴾: «و اینگونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه‌های پروردگارش نگرویده است سزا می‌دهیم و قطعاً شکنجه آخرت سخت‌تر و پایدارتر است»؛ همچنین پروردگار در آیه ۸۱ همین سوره با صراحت بیش‌تری هرگونه اسراف و زیاده‌روی در استفاده از مواهب طبیعی همچون طبیعت را منع، و چنین اسراف‌کننده‌ای را وعده جزای دنیوی و عذاب اخروی می‌دهد. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى﴾: «از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید و آلی [در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعاً در [اورطه] هلاکت افتاده است»؛ به درستی که با توجه به اهمیت بسزای طبیعت و محیط زیست در امنیت غذایی و به صورت کلی بقای نسل بشر، هر نوع اسراف و زیاده‌روی در این زمینه می‌تواند از نظر قرآن کریم مجازات دنیوی و اخروی سنگینی به همراه داشته باشد.

دسته‌ای دیگر از آیات قرآن کریم به صورت کلی انسان را از هر نوع فساد بر روی زمین نهی می‌کنند که یقیناً ارتکاب رفتار زیان‌بار علیه محیط زیست، مصداق بارز فساد محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال خداوند متعال در آیه ۱۱۶ سوره مبارکه هود در این زمینه می‌فرماید: ﴿فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفُسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ﴾: «پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند»؛ در این باره یکی از نویسندگان مقرر می‌نماید: «فرو رفتن در راحتی و غوطه‌ور شدن در فساد باعث طغیان و سوء استفاده انسان‌های فاسد از نعمت‌های خدا می‌شود و از حق خود تجاوز کرده و به حق دیگران تعارض می‌کنند در این حالت به قول قرآن دیگر از انحطاط غیر قابل برگشت فرو رفته و سنت خدا درباره آن‌ها اجرا می‌شود» (ممتحن و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۰)؛ و یا اینکه در بخشی از آیه ۷۷

سوره قصص در این زمینه خطاب به قارون می‌فرماید: ﴿لَا تَبِعِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾: «و به دنبال فساد در زمین مباش که خداوند، فسادگران را دوست نمی‌دارد»؛ همچنین در آیه ۲۷ سوره یونس در باب بدی‌ها که البته تخریب و زیان به محیط زیست خداوندی نیز مصداق بارز بدی و سیئه محسوب می‌گردد، مقرر می‌نماید: ﴿وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرَهُم مُّهْمَةً ذَلَّةً مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾: «و کسانی که مرتکب بدی‌ها شده‌اند [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو می‌گیرد در مقابل خدا هیچ حمایت‌گری برای ایشان نیست گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای از شب تاریک پوشیده شده است آنان همدم آتش‌اند که در آن جاودانه خواهند بود». خداوند متعال در آیه ۵ سوره مائده در باب تخطی از دستورات خداوند که در نتیجه منجر به کشتن حیوانات در حال احرام می‌گردد بدین طریق کیفر تعیین گردیده است، که خود نشان‌دهنده اهمیت حیوانات که خود یکی از مظاهر طبیعت محسوب می‌گردد، می‌باشد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَلِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّرَ تَطْعَامًا مُسْكِينًا أَوْ وَعَدَلَ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَوْمٍ وَّآلٍ أَمْرَهُ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾

«کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال احرام، شکار را نکشید، و هر کس از شما به عمد، شکاری را بکشد، کیفر و کفاره‌اش کشتن نظیر آن حیوان از چهارپایان است که (به این نظیر بودن) دو شاهد عادل از میان خودتان حکم کنند. (این حیوان قربانی) هدیه‌ای است که به کعبه برسد (و آنجا ذبح شود) یا (به جای قربانی) برای جبران آن (به شصت) فقیر طعام بدهد یا برابر آن روزه بگیرد. (این کفاره‌های سه‌گانه) برای آن است که جزای کار خود را بچشد. خداوند از گذشته شما (که قانون کفاره نیامده بود) گذشت. و هر کس این کار را تکرار کند، خداوند از او انتقام می‌گیرد، و خداوند، شکست‌ناپذیر و انتقام‌گیرنده است».

همچنین خداوند متعال در آیات ۵۶ و ۸۵ سوره مبارکه اعراف اینگونه می‌فرماید:

﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ﴾

«و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است»

﴿وَالِی مَدَیْنٍ أَخَاهُمْ شُعْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاقُوْا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست در حقیقت شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است پس پیمانہ و ترازو را تمام نهدید و اموال مردم را کم مدهید و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید این [ارهنمودها] اگر مؤمن‌اید برای شما بهتر است»

با این تفاسیر به نظر می‌رسد تخریب محیط زیست از نظر خداوند متعال مصداق فساد و جرم بوده و گویای یکی از پاسخ‌های کیفری دین اسلام در حمایت از طبیعت، منابع و اجزای آن است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

با بررسی آیات متعددی که در قرآن کریم در باب محیط زیست و مظاهر مختلف آن وجود دارد، بدون تردید نه تنها پی می‌بریم که محیط زیست با تمام مقوله‌های آن از نظر خداوند متعال دارای ارزش و جایگاه خاصی است، بلکه با توجه به اینکه هر نوع تعرض به محیط زیست می‌تواند مصداق بارز بی‌اعتنایی به نعمات و نشانه‌های خداوندی، کفران نعمت، اسراف و زیاده‌روی و نیز فساد در زمین محسوب می‌گردد، در نتیجه این رفتارها مصداق جرم بوده و می‌تواند علاوه بر عذاب و عواقب اخروی، موجب واکنش دنیوی گردد.

### نتیجه بحث

محیط زیست امروزه یکی از مقوله‌های بسیار مهمی است که در نظام‌های مختلف حقوقی مورد توجه قرار گرفته است؛ امروزه هر نوع تعرض و سوء استفاده یا بهره‌برداری

غیر اصولی و بی رویه از محیط زیست نه تنها آثار بسیار زیان‌باری را به همراه دارد که حیات بشر را مورد تهدید جدی قرار می‌دهد، بلکه از سوی قانونگذاران سراسر دنیا این نوع رفتارها جرم انگاری شده و بعضاً واکنش‌ها و کیفرهای سنگین و هدفمندی را پیش‌بینی و تحلیل می‌نمایند. از آنجائی که نظام کیفری کشور ایران دارای مبانی شرعی و دینی بوده لذا بررسی و جست‌وجوی مبانی شرعی در این زمینه حائز اهمیت می‌باشد؛ با توجه به بررسی مبانی قرآنی جرم انگاری جرائم زیست محیطی، این نوع رفتارها از نظر شرعی نیز مصداق گناه و جرم بوده و قابل مجازات هستند؛ آیات قرآن کریم گاهی به صورت مستقیم به محیط زیست اشاره داشته و آن را مصداقی از آیه‌ها و نشانه‌های الهی معرفی کرده که از رهگذر آن انسان می‌تواند به عظمت و قدرت خداوند پی ببرد؛ از طرف دیگر هر نوع تعرض به این آیه‌ها و نشانه‌های الهی مصداق بی‌سپاسی و فساد محسوب شده و با عقوبت اخروی و دنیوی پاسخ داده شده است. اگرچه در هیچ یک از این آیات قرآن کریم صراحتاً کیفر مشخصی در خصوص جرائم زیست محیطی تعیین نگردیده است، اما از آنجائی که شیوه معمول قرآن کریم در باب جرم انگاری رفتارهای زیان‌بار به همین صورت بوده و به استثنای جرائم حدی شامل حد سرقت، زنا، قذف و محاربه که به ترتیب در آیات ۳۸ سوره مائده، ۲ سوره نور، ۴ سوره نور و ۳۲ سوره مائده صراحتاً دارای کیفر مشخص ذکر گردیده است، جرم انگاری سایر جرائم به صورت کلی آمده است؛ اگر چه تشخیص آیات الأحکام از سایر آیاتی که بیش‌تر در بردارنده یک قاعده صرفاً اخلاقی و یا دینی است، محل بررسی است، لیکن در خصوص جرائم زیست محیطی تعداد آیاتی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم به جایگاه و اهمیت آن می‌پردازد و رفتارهای ضد آن را تقبیح می‌کند و برای عقاب دنیوی و اخروی در نظر می‌گیرد، زیاد بوده و نشان‌گر این است که جرم انگاری چنین رفتارهایی قابل استنباط است. از طرف دیگر رفتارهای این چنین در تقسیم بندی انواع جرائم و مجازات‌ها در نظام کیفری اسلامی در دسته تعزیرات، یعنی کیفرهای نامعین شرعی که نوع و کیفیت اجرای آن کیفر و نیز حدود جرم انگاری آن در اختیار حاکم اسلامی است، که امروزه مستند به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که در اصل ۳۶ قانون اساسی و مواد ۱۲ و ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذکر گردیده است و در ماده ۱۸ قانون اخیر مورد تأکید قرار گرفته است،

توسط قانون تعیین و اجرا خواهد شد. به نظر می‌رسد با توجه به مبانی قرآنی فراوانی که در حوزه جرم‌انگاری جرائم زیست‌محیطی وجود دارد، قانونگذار نیز با اهتمام بیشتری تخریب‌ها و رفتارهای زیان‌بار زیستی را مورد توجه و حمایت قرار داده و حتی رویکرد سختگیرانه‌تری در جلوگیری از رفتارهای مجرمانه این حوزه داشته باشد.





## کتابنامه

- بهرام سلطانی، کامبیز. ۱۳۶۵ش، **مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست**، چاپ اول، تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فهمی، عزیز الله و مشهدی، علی. ۱۳۹۳ش، **اندیشه‌های حقوق محیط زیست**، چاپ اول، قم: انتشارات دانشگاه قم.
- قاسمی، ناصر. ۱۳۹۱، **حقوق کیفری محیط زیست**، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- مشهدی، علی. ۱۳۸۹ش، **ترمینولوژی حقوق محیط زیست**، تهران: انتشارات خرسندی.
- نوری، جعفر. ۱۳۷۲ش، **فرهنگ جامع محیط زیست**، چاپ اول، تهران: نشر مؤلف.

## کتاب انگلیسی

- Bruce C. Wyman and L. Horold Stevenson, The Facts On File Dictionary of Environmental Science, Facts On File, Inc, Third Edition, 2007.
- Roger Perman, Yue Ma, James Mcgilvray, Michael Common "Natural Resources And environmental Economics" Pearson educated limited, 1999.
- Nick Hanley, Jason F. Shgren, Ben Whith: Environmental Economics In Theory And Practice, 1997.

## مقالات

- اینیاسی، زاکس. «**بوم‌شناسی و فلسفه توسعه**»، ترجمه سید حمید نوحی، مؤسسه فرهنگی کیان، ۱۳۷۳ش، صص ۵۸-۵۹.
- رئوف، سید حمید رضا. ۱۳۹۴ش، «**اخلاق محیط زیست در قرآن**»، مجله ماهنامه پژوهشی و تحلیلی در زمینه فعالیت‌ها و مطالعات قرآنی، سال اول.
- صادقی، حسین و فتحی، مهدی. ۱۳۸۸ش، «**فرهنگ، توسعه پایدار و محیط زیست**»، مجله مهندسی فرهنگی، شماره ۲۹ و ۳۰.
- کاریزی، محسن. ۱۳۸۷ش، «**ادیان و محیط زیست**»، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۵.
- ممتحن، مهدی و دیگران. ۱۳۹۰ش، «**علل انحطاط فرهنگی از دیدگاه قرآن**»، مجله مطالعات قرآنی، شماره ۵.